

نقاب دموکراسی بر چهره ژنرال‌ها!

از: ویدا صارمی

بیسمارک^(۱)، هنگامی که هنوز نخست وزیر پروس بود، جمله معروفی بیان کرده است: هر کشور صاحب یک ارتش است، اما در پروس، این ارتش است که صاحب کشور است.

گر چه در پایان سده نوزدهم نیز این سخن که ارتش صاحب کشور است، به گوش‌ها سنگین می‌آمد، اما این شیوه «کشورداری»، در قرن بیستم نیز در برخی از نقاط جهان ادامه پیدا کرد. حتی، امروزه در آستانه سده بیست و یکم، هنوز ارتش‌هایی وجود دارند که صاحب کشورند. از نمونه‌های آشکار آن، همسایگان دیوار به دیوار ما هستند، یعنی در ترکیه، پاکستان و عراق. گر چه مردم هزینه ارتش را می‌پردازند و در هر سه کشور به ظاهر نوعی دموکراسی پارلمانی، انتخابات همراه با نهاد ریاست جمهوری، نخست وزیر و... وجود دارد، اما صاحبان واقعی همه چیز در این کشورها، ارتش یا به گفته‌ی بهتر، فرماندهان ارتش هستند.

بدلیل سلطه‌ی ارتش بر جامعه، حکومت و دیگر نهادهای کشوری، حکومت کشورهای مزبور نیز چونان حکومت پروس، از نظر سیاست خارجی بر پایه گسترش ارضی و تجاوز نظامی و از نظر داخلی بر پایه سرکوب و اجبار مردم به اطاعت محض، استوار است.

اما، با توجه به جو جهانی، نظامیان در هر سه کشور مزبور (البته با اختلاف درجه)، به آن حد از هوشمندی رسیده‌اند که ظاهر حکومت را حفظ کرده و به طور مستقیم به عنوان فرماندهان ارتش در کارها دخالت نکنند. آنان ترجیح می‌دهند تا زمانی که غیر نظامیان از دستوراتشان سرپیچی نکنند، مقاصدشان را بوسیله آنان بر آورند.

بدین‌سان، در این کشورها، مدام شاهد انحلال حزب یا احزاب، برکناری نخست وزیران و دولتمردان، به قدرت رسیدن حزب یا احزاب دیگر و افراد دیگری هستیم. گهگاه، همه احزاب تعطیل می‌شوند و سر کرده نظامیان به طور مستقیم، قدرت را در دست می‌گیرد.

بر کناری دولت بانوی نظیر بوتو در پاکستان و حکومت ائتلافی «اریکان-چیلر» در ترکیه، از تازه‌ترین نمونه‌های آن هستند. در عراق که ظاهر

دموکراسی از ترکیه و پاکستان کم‌رنگ‌تر است، تغییرات نیز با جنجال کمتری انجام می‌شود. در حالی که در ترکیه و پاکستان تا زمانی که دولتمردان از اجرای خواست نظامیان سرپیچی نکنند، تمام مظاهر دموکراسی حفظ می‌شود.

از نظر سیاست خارجی نیز، پایه حکومت‌های هر سه کشور، افزون بر سرکوب مخالفان داخلی، بر گسترش ارضی و تجاوز به همسایگان استوار است. چندین جنگ پاکستان با هندوستان به بهانه مسأله کشمیر، لشگرکشی ترکیه به بخشی از قبرس در گذشته و تجاوز نظامی به شمال عراق و نیز تجاوز نظامی عراق به ایران و کویت شواهدی برای اثبات این واقعیت محسوب می‌شوند.

ارتش ترکیه سال‌هاست که دست اندر کار کشتار کردهای ساکن قلمرو آن سرزمین است. به دنبال نساتوانی حکومت عراق در اثر جنگ خلیج فارس، نظامیان ترک به فکر اجرای نقشه‌های دیرین و تجاوز کارانه خود، برای الحاق استان «موصل» به کشور مزبور افتاده‌اند. از این رو به بهانه سرکوب مخالفان ترک، قلمرو حکومت عراق را مورد تجاوز و اشغال نظامی قرار داده‌اند.

در حالی که کشور ترکیه هم اکنون از تورم بالای «سه رقمی» رنج می‌برد، بخش قابل توجهی از ارز کشور مزبور که از راه صادرات، توریسم، کمک‌های بلاعوض و نیز گدایی از اروپا و آمریکا به دست می‌آید، صرف تسلیحات و از همه مهم‌تر کشتار «کردها»، می‌شود.

کارشناسان نظامی، هزینه‌های جنگ ارتش ترکیه علیه کردها را کما بیش ۸ میلیارد دلار در سال برآورد می‌کنند. بخش قابل ملاحظه‌ای از این رقم به صورت دلالی و «کمسیون»، نصیب ژنرال‌ها می‌شود و بخشی از این پول صرف اجرای مقاصد سیاسی نظامیان در داخل و خارج از ترکیه، می‌گردد. در پاکستان نیز از همین الگو، پیروی می‌شود.

سران ارتش پاکستان از زمان تأسیس کشور مزبور (که آن خود داستان جداگانه‌ای دارد)، همیشه به طور مستقیم یا غیر مستقیم، سرنوشته مردم کشور مزبور را در دست داشته‌اند. آنان نیز مانند ژنرال‌های ترک مجبورند برای روغن‌کاری ماشین جنگی کشورشان، هر از گاهی دست به یک ماجراجویی خارجی بزنند. هم‌چنانچه که اشاره شد،

جنگ‌های سه‌گانه پاکستان با هندوستان، در همین راستا قرار دارد.

چندی پیش آقای «نصرالله بابر» وزیر کشور پیشین پاکستان گفت که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان بدون هم‌آهنگی با وی، خودسرانه در افغانستان عمل می‌کرده است. وی افزود: سازمان اطلاعات ارتش پاکستان، همواره خواستار حل مسأله‌ی افغانستان از راه جنگ است^(۲)

بنا به گزارش‌های گوناگون، مهم‌ترین مرکز تولید مواد مخدر (تریاک، هروئین و...) بخش زیر سلطه طالبان در افغانستان و کشور پاکستان است. از سوی دیگر، گزارش‌ها حاکی از آنست که حلقه ارتباطی حمل این مواد به اروپا و از آنجا به آمریکا و دیگر نقاط جهان از طریق کشور ترکیه است. از این‌رو، شایعات زیادی درباره دست داشتن ارتش‌های پاکستان و ترکیه در «سوداگری مرگ» وجود دارد.

مسأله‌ی کاشت، داشت و برداشت تریاک در مناطق تحت اشغال طالبان در حدی از گستردگی است که مسئول هماهنگی برنامه‌ریزی مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل که مقر آن در شهر «اوش» از کشور قرقیزستان قرار دارد، اعلام کرد که سازمان ملل متحد از همه همسایگان افغانستان خواسته است تا در یک اقدام هم‌آهنگ برای مبارزه با تولید انبوه مواد مخدر، کشور افغانستان را محاصره کنند^(۳).

اما، با توجه به گفته‌های آقای «بابر» وزیر کشور پیشین پاکستان و نقش ارتش پاکستان در ناآرامی‌ها و جنگ داخلی افغانستان، این پیشنهاد از نظر عملی قابل اجرا نیست. آقای «بابر» در پایان گفتار خود، راز هولناک دیگری را نیز آشکار کرد. او گفت: یک قاچاقچی مواد مخدر و یک طلافروش، بودجه مورد نیاز گروه طالبان را تامین می‌کنند!



زیر نویس:

۱- اوتونن بیسمارک (Oto Von Bismarck) نخست وزیر پروس، طراح وحدت دوک‌نشین‌های آلمان و بنیان‌گذار رایش دوم آلمان در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۱ (۲۸ دیماه ۱۲۴۹ خورشیدی) و سپس صدر اعظم رایش

۲- روزنامه ابرار- ۴ بهمن ماه ۱۳۷۶ خورشیدی

۳- مردم استان اوش که شهر اوش مرکز آن است، تاجیک تبار و فارسی زبان هستند. مردم خوارزم و فرارود، اعتماد دارند که محل زایش «شت زرتشت»، در شهر اوش است. اوستا شناسان معتقداند واژه اوش برگرفته از واژه «اشاه» در زبان اوستایی است.